

تمدید آتش‌بس با چه هدفی؟
حبیب حسینی‌فرد

۱۷ فروردین که آتش‌بس میان ایران از یک سو و اسرائیل و آمریکا از سوی دیگر شروع شد، نوسان و کش و قوسش زیاد بود. به رغم آن که دو روز بعد هم مذاکرات بی‌نتیجه در اسلام‌آباد جریان افتاد، ولی آتش‌بس لبنان که با فشار جمهوری اسلامی جزیی از توافق آتش‌بس بود تازه ده روز بعد شروع شد، زمینه‌ای برای این که ایران هم نهایتاً به بستن تنگه هرمز به طور مشروط پایان دهد. این اقدام اما با رفع محاصره بنادر ایران از سوی آمریکا که در تقابل با اقدام ایران به بستن تنگه هرمز شروع شده بود، همراه نشد.

با این همه، جمهوری اسلامی ظاهراً امیدوار بود که محاصره آمریکا جنبه نمایشی داشته باشد و فروش نفت و سایر رفت‌وآمدهای دریایی ایران در عمل مختل نشود. از این رو زیاد در مورد رفع رسمی این محاصره مانور نداد، در مورد بستن دوباره تنگه هرمز در پاسخ به ادامه محاصره آمریکا تبلیغات زیادی نکرد و دور بعدی مذاکره را هم به رفع محاصره مشروط نساخت. با حمله آمریکا به کشتی توسکا و حمله به یک کشتی نفتی ایران امروز در منطقه‌ای در اقیانوس هند، تهران ظاهراً به این نتیجه رسید که محاصره می‌تواند جدی باشد و نه تنها به عنوان اهرمی تازه در مذاکرات اسلام‌آباد به سود فشار و اشنینگتن عمل کند، بلکه در صورت تداوم، عملاً تحریم‌ها را که تا کنون شکست و بست اعمال می‌شد و مانع فروش نفت ایران به طور جدی نبود، سخت و جدی کند و همین سبب شود که تهران (با توجه به فشار ناشی از قطع فروش نفت و اخلال در تامین کالاها) مجبور باشد در مذاکرات اسلام‌آباد بیش از آنچه که تا کنون محاسبه می‌کرد انعطاف و عقب‌نشینی داشته باشد.

از همین رو از دو روز پیش ایران در مورد مذاکرات اسلام‌آباد در موضع منفی قرار گرفت، بی‌آن که رسماً در مورد علت آن (عدم رفع محاصره، و شاید هم کمی برای چانه‌زنی بیشتر در موضوعات اصلی مذاکره) چندان مانور دهد یا اطلاع‌رسانی کند، شاید به این علت که هم در میان تصمیم‌گیران وحدت نظر وجود نداشته و هم این که راه را برای چرخش احتمالی در دقیقه ۹۰ با این یا آن توجیه باز بگذارند، آن هم در حالی که در مورد موضوعی اصلی مذاکرات (غنی‌سازی و میزان و زمان آن در ایران و نیز سرنوشت ۴۰۰ کیلوگرام اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده) مواضع دو طرف تا حدودی از سختی اولیه فاصله گرفته بود. در پشت پرده پاکستان تلاش‌های فشرده‌ای را انجام داد و ظاهراً اشنینگتن به رفع غیررسمی محاصره رضایت داد، اما نگرانی و ترس تهران بیشتر از آن شده بود که به کمتر از اعلام رسمی این موضع از سوی آمریکا رضایت دهد، امری که برای ترامپ و رفتار و رویکردی که از او می‌شناسیم هم راحت نیست، هر چند که او با اظهاراتی مانند این که به جز مسئله اتمی با ایران مورد و مشکلی برای مذاکره وجود ندارد خواست سینگنال‌های مثبتی به تهران بفرستد. و این همه در حالی اتفاق می‌افتد که در لبنان آتش‌بس که از ابتدا هم نیم‌بند شکنندتر می‌شود.

القصد، ترامپ حالا به جای این که رفع محاصره را رسماً اعلام کند، به تمدید آتش‌بس روی آورده است، با این استدلال که چون در رهبری ایران اختلاف است می‌خواهد به آنها فرصت بدهد که به اجماع و انسجام برسند. این که در دستگاه رهبری جمهوری اسلامی ناشی از ضربات و چنگانگی مراکز و مراجع قدرت و ضعف سیستم ارتباطی ناشی از مسائل امنیتی اختلاف وجود داشته باشد و حصول توافق دیرپای باشد، منتفی نیست، ولی برای خود ترامپ هم نه عقب‌نشینی رسمی از محاصره بنادر ایران، آن هم در شرایطی که در گستره داخلی و بین‌المللی کلاً به خاطر این جنگ و پیامدهایش زیر فشار است، کار ساده‌ای است و نه ورود دوباره به جنگ لزوماً به نتیجه مطلوب (کدام هدف و نتیجه؟) می‌رسد و وضعیت داخلی و خارجی او را بهتر می‌کند. وضعیت محاصره کنونی هم گرچه برای ایران توأم با فشار و زیانی‌های مالی و تامینی سنگینی است، ولی مادام که جمهوری اسلامی هم اینسوی تنگه هرمز رابسته است یا در ان اخلال می‌کند اقتصاد و انرژی جهان همه کماکان در شرایط تنش و اضطراب باقی می‌ماند.

در واقع حالا تمدید آتش‌بس که زمانی هم برای آن اعلام نشده فرصتی است که هر دو طرف در چارچوب چانه‌زنی به راه‌حلی برای تامین نسبی شرایط خود (در مورد محاصره و تنگه هرمز و دستور کار مذاکرات) و عقب‌نشینی با آسیب‌کمتر دست یابند. منتفی هم کاملاً نیست که این تمدید آتش‌بس توأم با ابهام و چارچوب، برای ورود غافلگیرانه دوباره به جنگ (با چه هدفی؟) باشد، به‌ویژه که در اینجا پای اسرائیل بیشتر به میان آید. رهبران این کشور در این دو سه روز شاه بیت حرف‌هایشان این بوده که ماموریت در ایران "نیمه‌تمام" است و باید "کامل" شود و بدون براندازی رژیم کامل نمی‌شود.

در تهران هم تندرورهای هستند که مست از باقی ماندن حکومت بعد از ۴۰ روز جنگ، قدرت آن را به گونه‌ای می‌بینند که باید آتش‌بس را زودتر از موقع پایان دهد و با جنگ "ضربات بیشتری" به حریف وارد کند! ولی اگر گزینه جنگ منتفی بماند هر دو طرف با توجه به یقه‌ای که از یکدیگر در تنگه هرمز گرفته‌اند زیر فشارهای درونی و جهانی چاره دیگری به جز برگشت به پشت میز مذاکره و رهاکردن این یقه ندارند؛ تحت چه شرایطی و با کدام انعطاف‌ها و عقب‌نشینی‌ها موضوع چانه‌زنی روزهای آینده خواهد بود، بی‌آن که در مورد موقعیت ضعیف‌تر ایران در شرایط کنونی بتوان تردید زیادی داشت.